

## تأثیر دیدگاه‌های سیاسی و مذهبی فرقه زیدیه در تعامل یا تقابل با دیگر گروه‌ها

محمدامین زرگر<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

بهادر قیوم<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۷

### چکیده

یکی از مهم‌ترین گروه‌های اسلامی که از سده دوم هجری به نقش‌آفرینی در عرصه سیاسی و فکری پرداخت، زیدیه است. فرقه زیدیه که در پی شهادت زید بن علی به دست عمال خلیفه اموی، هشام بن عبدالملک در سال ۱۲۲ هـ. ق. و پس از آن شهادت فرزند زید، یحیی در خراسان، به تدریج هویت خود را دریافت، با بر سر کار آمدن بنی‌عباس، راه نوعی خارجی‌گری را در مبارزه با خلفا و حکام ظالم در پیش گرفت و دست به قیام‌های متعددی در طول دو سده بعد زد. در این میان زیدیه راه تعامل و تسامح با اهل سنت به خصوص با فرقه معتزله را برگزید؛ لکن در ابتدا با امامیه مقابله کرد. زیدیان نسبت به حکام و خلفا نیز برخوردهای مستقیم را برگزیدند که در ابتدای امر، موجب کشته‌شدن بسیاری از سران زیدیه در جنگ‌های مکرر گردید. اما در سال‌های بعد ارتباط زیدیه با گروه‌های دیگر دستخوش تحولاتی گردید. پس از به قدرت رسیدن معتزله در زمان مأمون و معتصم عباسی، دوران سقوط و زوال آنان بسیار سریع فرا رسید. در پی آن دشمنی سخت اشاعره با معتزله، به تبع آن ارتباط زیدیه با اهل سنت را دچار افول کرد. در دوره‌های زمانی خاصی از جمله دوران امام رضا و شیخ مفید، زیدیه نسبتاً به امامیه گرایش یافتند. مبارزه مستقیم با خلفا نیز پس از مدتی جای خود را به تلاش برای تشکیل دولت‌های مستقل شیعی داد.

واژگان کلیدی: زیدیه، امامیه، عباسیان، معتزله، اهل سنت.

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه شهید چمران اهواز z.stu87@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز ghayem.b@scu.ac.ir

## مقدمه

قرن دوم هجری قمری، دوران رخ‌دادن حوادث بزرگ و تکوین گروه‌ها و فرقه‌های مذهبی و سیاسی متعدد بود. همزمان با سقوط امویان و گسترش تسلط بنی‌عباس بر مناطق اسلامی، افکار و اندیشه‌های نوین سر برآورده و تعدد مکاتب فقهی، کلامی و انشعاب‌های سیاسی توان و توجه خلفا را به خود جلب نمود. در این میان، فرقه زیدیه جایگاه ویژه‌ای را در میدان نقش‌آفرینی‌های مذهبی و سیاسی ایفا نمود و به سرعت هواداران و مخالفانی را برای خود به وجود آورد. نقطه آغاز شکل‌گیری این فرقه را قیام زید بن علی معروف به زید شهید می‌دانند که در آخرین دهه حیات سیاسی بنی‌امیه به‌عنوان خلفای تمام سرزمین‌های مسلمان، قیام او منشأ تحولات حاد و اعتراض‌آمیز بسیاری گردید.

زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) مردی خطیب و فقیه بود که در واپسین سال‌های حکومت هشام بن عبدالملک (۱۰۵-۱۲۵هـ) خلیفه مقتدر اموی، دست به قیام و انقلاب زد و در همین راه به شهادت رسید. پس از او و به فاصله سه یا چهار سال، فرزندش یحیی قیامی را در خراسان و جوزجان تدارک دید که با اقبال مردم آن سامان مواجه شد اما پیش از آنکه به موفقیت چشمگیری دست یابد، توسط سپاه اموی در هم کوبیده شده و او نیز به شهادت رسید. سال‌های بعد، جهان اسلام شاهد تکوین فرقه جدیدی بود که خود را به زید و تفکر او منسوب می‌کرد و از آرمان‌های وی سخن می‌گفت. این فرقه بستر نظری مناسبی را برای مقابله با دستگاه خلفای جور فراهم نمود و با ترتیب دادن قیام‌های مکرر و در حقیقت نوعی خارجی‌گری، جای خالی خوارج را که مدت‌ها بود توان تحرک و شورش را نیافته بودند، پُر نمود.

خلفای عباسی عمدتاً برخورد مستقیم و سرکوب را شیوه خود در مقابل زیدیان قرار دادند تا به زعم خود از گسترش افکار آنان جلوگیری نمایند، اما با این حال، زیدیان موفق به تشکیل دولت‌های محدودی نیز گردیدند که در ادامه بدان‌ها پرداخته شده است.

آنچه در تاریخ حیات زیدیان می‌تواند مورد توجه ویژه قرار گیرد، رویکرد متناقض آن‌ها در برخورد با فرقه‌های اسلامی است، چنانکه از امامیه فاصله گرفتند، به معتزله نزدیک شدند و با برخی گروه‌ها هیچ‌گونه ارتباط معناداری نیافتند.

## قیام زید بن علی

زید پس از حضور در دربار هشام بن عبدالملک و بعد از مکالمه تندی که میان او و هشام رد و بدل شد و خلیفه وقت اموی از اهانت به زید دریغ نمود، نارضایتی خود را از دستگاه حاکمه آشکار ساخت.<sup>۱</sup> هشام بن عبدالملک، زید را به کوفه فرستاد تا اتهام مالی که بر وی وارد نموده بود بررسی شود. پس از اینکه بی‌پایگی اتهام روشن شد، زید آزاد و توسط یوسف بن عمر ثقفی حاکم کوفه به دستور هشام از شهر اخراج گردید. زید با اصرار فراوان کوفیان به شهر بازگشت و رهبری قیام بر ضد بنی‌امیه را پذیرفت. در هنگامه نبرد، زید کشته

<sup>۱</sup> این سعد، کتاب الطبقات الکبیر، ج ۷، ص ۳۲۰؛ البلاذری، کتاب جمل من أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۴۲۷.

شد و بدن او بر دار آویخته شد.<sup>۱</sup> هرچند که هزاران نفر از اهل کوفه و تعداد قابل توجهی از ساکنین مناطق مختلف مانند مدائن، بصره، واسط، موصل، خراسان و ری و جزیره را در شمار بیعت‌کنندگان با زید یاد کرده‌اند،<sup>۲</sup> اما در زمان رویاری با سپاه یوسف بن عمر، بسیاری از بیعت‌کنندگان او را رها کردند.<sup>۳</sup> برده‌ای که از محل دفن زید خبر داشت، مأموران یوسف ثقفی را آگاه ساخت. آن‌ها جنازه وی را بیرون آورده و در کناسه کوفه بر دار کردند (۱۲۲هـ). سر وی را نیز نزد هشام فرستادند که او آن را در دروازه دمشق آویخت. سپس آن را به مدینه فرستاد تا آنجا نیز بر دار کردند و تا پایان خلافت هشام اینچنین بود و پس از مرگ هشام وقتی ولید بن یزید (۱۲۶هـ) به خلافت رسید امر به سوزاندن آن کرد.<sup>۴</sup> در باب منشاء اطلاق عنوان «رافضه» به شیعیان گفته شده، هنگامی که شیعیان کوفه جواز امامت مفضول را از زید شنیدند و دانستند که او از شیخین تبری نمی‌جوید، او را رها کردند و به همین دلیل به رافضه (رهاکنندگان، ردکنندگان) نامیده شدند.<sup>۵</sup>

هنگامی که زید بن علی به شهادت رسید، فرزندش یحیی پس از او قیام کرد و امام زیدیان شد، به خراسان رفت و جماعتی کثیر گرد او جمع آمدند. از امام صادق (ع) به او خبر رسید که او کشته خواهد شد همانگونه که پدرش به قتل رسید (۱۲۵هـ) و چنانکه به او خبر داده شد بر او رفت. امر امامت پس از او به محمد و ابراهیم فرزندان عبدالله بن حسن مثنی رسید که آنان نیز کشته شدند و امام صادق (ع) به تمام این احوال آن‌ها را خبر داد و فرمود که پدرانش او را به این اخبار آگاه ساخته‌اند.

### فرقه زیدیه

زیدیه را اتباع و معتقدان به امامت زید بن علی بن الحسین بن علی (ع) معرفی می‌کنند<sup>۶</sup> که امامت را در اولاد فاطمه (ع) دخت نبی اکرم (ص) دانسته و آن را در غیر اولاد ایشان جایز نمی‌دانند. شرایط امام را از نظر زیدیه فاطمی بودن، عالم و زاهد و شجاع و سخاوتمند بودن و از اولاد یکی از حسنین بودن دانسته‌اند که به امامت خروج کند. چنین کسی امام واجب الطاعه است.<sup>۷</sup> زیدیه قائم به شمشیر بودن و قدرت بر دفاع را از شرایط امام می‌شمارند و از این جهت امامت کودکان را نمی‌پذیرند. آنان عصمت را نیز در امامت شرط نمی‌دانند.<sup>۸</sup> برخی از گروه‌های زیدیه خروج دو امام را در دو مکان مجزا در صورتی که خصلت‌های فوق را

<sup>۱</sup> یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۹۷-۲۹۹.

<sup>۲</sup> البلاذری، کتاب جمل من أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۴۳۴.

<sup>۳</sup> ابن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم، ج ۷، ص ۲۱۸.

<sup>۴</sup> ابن کثیر، البدایة و النهایة، ص ۱۴۵۷.

<sup>۵</sup> الشهرستانی، الملل و النحل. ج ۱، ص ۱۵۵.

<sup>۶</sup> - الحسینی، غایة الاختصار فی أخبار البیوتات العلویة المحفوظة من الغبار، ص ۷۹.

<sup>۷</sup> الشهرستانی، الملل و النحل. ج ۱، ص ۱۵۳.

<sup>۸</sup> مشکور، تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم. ص ۶۰.

داشته باشند به‌طور هم‌زمان جایز می‌شمارند و هر دو را واجب الطاعه می‌دانند.<sup>۱</sup> در میان فرق زیدیه، بت‌ریه از همه نزد اهل سنت گرامی‌ترند، چرا که این گروه، امام علی (علیه‌السلام) را افضل دانسته و امامت ابوبکر را نیز می‌پذیرفتند. اینان بر عثمان و طلحه و زبیر خرده می‌گرفتند و برای هر کس از اولاد علی (علیه‌السلام) که خروج کند، در هنگام خروجش امامت را ثابت می‌دانستند و تمام اولاد علی (علیه‌السلام) را از هر بطنی در این امر یکسان می‌شمردند.

### رویکردهای سیاسی و کلامی فرقه زیدیه

زیدیه با اتکا به روایات منسوب به زید بن علی، راه مماشات و همزیستی نسبی با اهل سنت را پیش گرفتند و با توجه به ارتباط نزدیک آنان با معتزله، این مدارا و مماشات تا هنگامی که معتزله برقرار بودند، تداوم یافت. نظرگاه‌های کلامی و اعتقادی زیدیه نیز بسیار به معتزله نزدیک است و کلام زیدیه به‌جز در مباحث معدودی از جمله امامت، در چهارچوب نظری کلام معتزله تعریف می‌گردد.

یکی از خصوصیات زیدیه، تساهل و انعطاف نسبی در مسائل اعتقادی است. آنان در شرایطی تحت تأثیر منطق و دلایل ارائه‌شده توسط دیگر گروه‌ها قرار گرفتند که ریشه این انعطاف را شاید بتوان در انعطاف شخص زید و تعامل وی با اطرافیان دانست. زید بن علی با افراد مختلف و سران معتزله و اهل سنت در ارتباط بود و حتی بسیاری از بنی‌الحسن نیز در آینده از پیروان زیدیه محسوب شدند.

### ارتباط زیدیه با اهل سنت

احکام و فرائض فرقه‌های زیدیه، مطابق یا نزدیک به مذاهب اهل سنت است.<sup>۲</sup> این فرقه از دیگر فرق شیعه به مذهب تسنن نزدیک‌ترند. ابوحنیفه نعمان بن ثابت (۸۰-۱۵۰هـ) نیز که از بزرگان فقهای سنی مذهب بود، با زید ارتباط خوبی داشت و گفته شده که با او بیعت کرد. هنگام قیام زید، ابوحنیفه سی هزار درهم برای او فرستاد و مردم را به یاری او برانگیخت.<sup>۳</sup> فقیهان دیگری را نیز در شمار موافقان زید آورده‌اند، از جمله سلمه بن کهیل، یزید بن ابی‌زید، هاشم البرند و ابوهاشم الرمائی.<sup>۴</sup> از نظر عقاید و اصول کلامی، دیدگاه زیدیه بسیار به اهل سنت نزدیک است. این اصول و دیدگاه‌ها متعلق به معتزله یا اشعری مسلکان است و البته بی‌شک زیدیه به معتزله نزدیک‌ترند.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> الشهرستانی، الملل و النحل. ج ۱، ص ۱۵۴.

<sup>۲</sup> همان، ص ۳۲.

<sup>۳</sup> مشکور، تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم. ص ۶۰.

<sup>۴</sup> البلاذری، کتاب جمل من أنساب الأشراف، ص ۴۳۵.

<sup>۵</sup> النشار، نشأة الفكر الفلسفی فی الاسلام، ص ۱۵۷.

### روابط زیدیه با معتزله

معتزله که یک جریان فکری برخاسته از اهل سنت بودند، در همان دهه های اولیه فعالیت خود، راه خویش را از اهل حدیث جدا کرده و پس از تندروری بسیار در سیاست و کلام، به زوال و انقراض دچار شدند. در حال حاضر اثری از این جریان فکری و کلامی در میان مسلمانان موجود نیست، هرچند تفکر و اندیشه کلامی آنان، هم در میان شیعیان و هم در میان اهل سنت اثرات ماندگاری را به یادگار گذاشته است. همانگونه که گفته شد، بسیاری از دیدگاه های زیدیه منطبق با اصول عقاید معتزله است. آنان در اصول به رأی و نظر معتزله مراجعه می کردند و ائمه اعتزال را بیش از امامان اهل بیت (علیهم السلام) تعظیم می نمودند. اما در فروع و احکام شرعی، پیرو ابوحنیفه بودند، به جز مسائل کمی که در آن‌ها با شافعیان و شیعیان همراه بودند.<sup>۱</sup>

این حقیقت که زیدیان در اندیشه‌های کلامی خود میراث‌بر معتزله هستند، در نگاه برخی از زیدیان به دید یک اتهام و نقص نگریسته شده و سعی در رفع آن نموده‌اند. از جمله حمیدان بن یحیی (د. ۶۵۰هـ) از اندیشمندان زیدی، در کتاب خود با نام *مجموع السید حمیدان* با نقد دیدگاه‌های معتزله، این رویه استقلال‌خواهانه را پی گرفته است. به‌رغم چنین تلاش‌هایی، امروزه اندیشه‌های کلامی زیدیه با همان سبک و سیاق اندیشه معتزلی به دست ما رسیده است.<sup>۲</sup>

### تعامل و تقابل زیدیه و امامیه

سراغاز نضج گرفتن فرقه زیدیه با تقابل و تضاد جدی با امامیه همراه بود. در ادامه نیز شیعیان اثنی عشری همواره خود را در تقابل با زیدیان دیده و مناظرات و مجادلات متعدد میان این دو گروه رخ می داد. شاعران نیز در این میان گاهی به هجو و نقد گروه مقابل می پرداختند که نمونه‌های ناخوشایند آن در منابع سده‌های اول ذکر شده است.<sup>۳</sup>

در حقیقت زیدیان تاب تحمل شیوه صبورانه امامان شیعه در تعامل با خلفا را نداشتند و به سکوت ایشان خرده می گرفتند. ائمه اطهار (علیهم السلام) پس از واقعه کربلا در هیچ قیام و انقلابی خصوصاً به صورت مستقیم شرکت نداشته و فضا را برای انقلاب و اصلاح به صورت نقش آفرینی مستقیم، مناسب نمی دیدند. خصوصاً در زمان امام صادق (علیهم السلام) که یاران و شاگردان امام ششم متعدد و قابل توجه بودند، انتظار قیام حتی از سوی یاران نزدیک امام نیز مطرح می شد. اما زیدیان با تکیه به مبانی اعتقادی خود که محوریت شمشیر در امامت باشد، تنها امام قائم را امام دانسته و ائمه اطهار (علیهم السلام) را در از دست رفتن فرصت قیام، مقصر می دانستند. در چنین شرایطی ائمه با صبر و حوصله سعی در ایجاد توازن میان تندروری‌های زیدیه و غفلت و بی‌انگیزگی برخی دیگر از گروه‌ها داشتند. گروهی از زیدیه در زمان امامت امام رضا (علیهم السلام) به ایشان گرویدند. ایشان پس

<sup>۱</sup> النشار، نشأة الفكر الفلسفی فی الاسلام، ص ۱۵۷.

<sup>۲</sup> صابری، تاریخ فرق اسلامی، ج ۲، ص ۸۱.

<sup>۳</sup> البغدادی، الفرق بین الفرق. ص ۷۰ و ۷۱.

از معرفی این امام بزرگوار توسط مأمون عباسی و بیعت با ایشان، به امامت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) معتقد شدند و برای مدتی در برابر مردم فروتن بودند، آن گاه بعد از شهادت امام رضا (علیه السلام) به فرقه خود از زیدیه بازگشتند.<sup>۱</sup>

مخالفت زیدیان با امامیه را باید در قالب تفاوت بنیادین میان اندیشه‌های دو گروه تحلیل کرد. اصل اساسی در مبحث امامت در میان زیدیه، جواز امامت مفضول در هنگام حضور شخص فاضل است. توضیح اینکه امامت در نظرگاه زیدیه، با دیدگاه امامیه درباره امامت انطباق ندارد. در حقیقت منظور از امام در میان زیدیه همان خلیفه و حاکم است و نه امام به معنای شیعی و اثنی عشری آن. آن‌ها خلافت شیخین را در همین بستر کلامی پذیرفته و آن را بر مبنای مصلحت اسلام مشروع می‌دانند. البته پذیرش تقدم مفضول بر فاضل نه یک قاعده بلکه یک استثناء است و همین موضوع و تن ندادن زید به سب خلفا، موجب جدایی گروهی از یاران وی از او شد و از همان زمان این گروه مقابل زیدیه، رافضه نام گرفتند. بنابراین قاعده عمومی در باب امامت از دیدگاه زیدیه، تقدم افضل است، اما چنانچه کسی بر وصی و امام بر حق تقدم جوید در صورتی که استحقاق وصی منصوص را نداند، گناهکار نیست.<sup>۲</sup>

از دیگر اندیشه‌های زیدیه که در تضاد با دیدگاه امامیه است، عدم لزوم عصمت امام است. اما مسئله بسیار مهم در دیدگاه زیدیه، نوع نگاه آنان به موضوع امر به معروف و نهی از منکر است که آن را یکی از شروط امامت می‌دانند. در واقع امامی که قائم نباشد در نگاه زیدیه، امام نیست! آن‌ها با این نظریه تقیه را نفی کرده و راه نوعی خارجی گری را در پیش می‌گیرند. در واقع آنان چنین می‌پندارند که اگر کسی در حالی که در خانه نشسته و پرده‌نشین شده ادعای امامت کند، پیروی از او روا نیست که این دیدگاه در تقابل با نظریه امامیه و اسماعیلیه است. زیدیه هر کسی را از فرزندان امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) که قیام کند و شمشیر برگردد و بر مرکب بنشیند و به کتاب و سنت دعوت کرده و امر به معروف و نهی از منکر نماید امام می‌دانند و این در برابر نظریه نص در اندیشه امامیه قرار دارد.<sup>۳</sup>

### تأثیرات قیام و شهادت زید بن علی

قیام زید را نمی‌توان دقیقاً در چهارچوب اقدامات زیدیه تفسیر نمود، چرا که سال‌ها پس از شهادت وی بود که فرقه زیدیه شکل یافت و در عرصه سیاسی، فکری و مذهبی خودنمایی کرد. اما با توجه به اینکه منشأ ظهور این فرقه، قیام زید بود، تأثیرات این قیام در زمان خود، اهمیت به سزایی یافت. شهادت زید در چند گروه اثر گذاشت که این اثرات در درازمدت، منشأ بروز تحولات بعدی و تأثیرات ماندگار منتج از اقدامات زیدیه بود:

<sup>۱</sup> النوبختی و القمی، سعد بن عبدالله. فرق الشیعة، ص ۹۱.

<sup>۲</sup> صابری، تاریخ فرق اسلامی، ج ۲، ص ۸۶.

<sup>۳</sup> همان، ص ۸۷.

۱. **یاران و هوادارانش:** این گروه هسته‌های اولیه تشکیل فرقه زیدیه بودند که پس از شکست قیام زید و پراکنده شدن یارانش، به ترویج آرمان‌های او پرداختند. شهادت زید به آن شکل فاجعه‌بار، آن‌ها را در تداوم راه او مصمم ساخت. از این نظر این ماجرا را می‌توان با شهادت جد بزرگ زید یعنی امام حسین بن علی (علیه السلام) مقایسه نمود. در حقیقت پس از ماجرای کربلا بود که شیعیان انسجام حقیقی خود را بازیافتند. اثرات واقعه عاشورا پس از درازمدت، بنی‌امیه را متزلزل ساخت و آتش خشم و نفرت را در دل شیعیان به خصوص اهل کوفه نسبت به امویان برافروخت.<sup>۱</sup> کوفیان با خود می‌اندیشیدند که چرا آن‌ها با دعوت‌های خود امام را به منطقه کشانده و او را تنها گذاشتند؟ آن‌ها خود را سرزنش می‌کردند و در کوتاه مدت به هر ندای حق طلبانه‌ای که اندیشه انتقام یا توبه را سر می‌داد، پاسخ مثبت می‌دادند که از آن جمله قیام توابین و قیام مختار بود. حتی قیام زید را نیز باید در راستای همین اندیشه‌ها و واکنش‌ها تفسیر کرد، چرا که زید نیز خون‌خواه جدش حسین (علیه السلام) بود.<sup>۲</sup> شاید وی پس از مشاهده عزلت و کناره‌گیری اهل بیت (علیهم السلام) که پس از ماجرای کربلا رخ داده بود، تصمیم به خروج از عزلت و اتصال به جامعه گرفته بود.<sup>۳</sup>

به هر حال پس از شهادت زید، بخش عظیمی از توان جامعه شیعی و علوی، در راستای مبارزه مستقیم و قیام مسلحانه قرار گرفت. این مسئله در کوتاه‌مدت موجب جنبش‌های سلسله‌وار در میان علویان در مناطق مختلف گردید و در وهله اول، مشروعیت امویان را زیر سوال برد و راه را برای قیام‌های بعدی باز کرد.

۲. **علویان و شیعیان غیرزیدی:** شیعیان غیرزیدی خصوصاً امامیه، از ابتدا حساب زید را از فرقه زیدیه جدا دانستند. آن‌ها اعتقاد داشتند که زید با هدف رسیدن به حکومت قیام ننموده، بلکه اگر موفق می‌شد به عهد خود وفا می‌نمود.<sup>۴</sup> در روایاتی از امام صادق (علیه السلام) به این مسئله و مضمون تعهد زید شهید اشاره شده است:

«فإن زیداً كان عالماً و كان صدوقاً و لم يدعكم إلى نفسه إنما دعاكم إلى الرضا من آل محمد (صلى الله عليه و آله) و لو ظهر لوفى بما دعاكم إليه، ...»<sup>۵</sup> «زید عالم و راستگو بود و شما را به خود دعوت نمی‌کرد بلکه شما را به رضا (پسندیده) از آل محمد (صلى الله عليه و آله) دعوت می‌نمود و اگر پیروز می‌شد حتماً به آن که شما را به آن می‌خواند وفا می‌کرد...»

<sup>۱</sup> الشامی، تاریخ زیدیه در قرن دوم و سوم هجری، ص ۶۱.

<sup>۲</sup> مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۷۱.

<sup>۳</sup> ابوزهره، الأمام زید: حياته و عصره آراؤه و فقهه، ص ۵۵.

<sup>۴</sup> الحسینی، غایة الاختصار فی أخبار البيوتات العلویة المحفوظة من الغبار، ص ۷۶.

<sup>۵</sup> الكلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۴۲.

به هر روی، علویان از حادثه زید بسیار متأثر شدند. امام صادق (علیه‌السلام) از خبر شهادت زید به شدت و آشکارا محزون شد و به گفته ابوخالد واسطی، اموالی را میان خانواده شهدای همراه زید قسمت کرد.<sup>۱</sup>

۳. **خلفا و هیأت حاکمه:** تبعات قیام زید، امویان را در مرحله اول نسبت به این مسئله به شدت حساس کرد، چنانکه با شروع تحرکات یحیی بن زید در خراسان، به سرعت برای دفع او اقدام نمودند. عباسیان نیز پس از رسیدن به قدرت یعنی ده سال پس از شهادت زید، با شناختی که از کانون قیام‌های زیدی داشتند، هرگونه حرکتی را با شدت تمام سرکوب می‌نمودند. یکی از بسترهای اجتماعی گسترش زیدیه را در سال‌های نخست ظهور آن، باید خاندان و نوادگان امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) دانست. عباسیان با توجه به آشنایی دیرینه‌ای که با بنی‌الحسن داشتند و در سال‌های آخر خلافت اموی با آن‌ها در برانداختن امویان هم‌عهد شده بودند، پس از به قدرت رسیدن برای ریشه‌کن کردن آن‌ها تلاش فراوان نموده و دست به جنایت‌های پیاپی زدند. چنانکه به محض خبردار شدن از اولین تحرکات و قیام جدی توسط بنی‌الحسن، منصور دوانیقی اقدام به تعقیب و شکنجه آن‌ها نمود تا مجالی برای حضور احتمالی آن‌ها در عرصه سیاسی باقی نگذارد. به گفته یعقوبی، منصور در سال ۱۴۰هـ پس از اینکه حج را به‌جا آورد، عبدالله بن حسن، پدر نفس زکیه را به همراه جمعی از خاندانش دستگیر کرد و آنان را به زنجیر کشید و بر شتران بی‌جهاز سوار کرد. بعداً او را آزاد کرد اما پس از چندی دوباره بازداشتش نمود و او و خاندانش در حبس بودند تا از دنیا رفتند.<sup>۲</sup>

### قیام‌های زیدیان در سده‌های نخست

اینکه فرقه زیدیه دقیقاً در چه زمانی شکل یافت و به صورت سازمان یافته به تبلیغ و دعوت پرداخت، چندان روشن نیست، اما عمده قیام‌هایی که در ابتدای خلافت عباسی و در حدود سال‌های خلافت منصور دوانیقی تا هارون عباسی صورت می‌گرفت، به نام زیدیه و با اسلوب یکسان و مشابه رخ می‌داد. قیام‌های زیدیان، گسترده و آشکار بود و در ادامه به تشکیل سه دولت، یکی در شمال ایران، دیگری در یمن و یک دولت نیز در مغرب اقصی منجر گردید. در جدول زیر، اطلاعاتی درباره قیام‌های زیدیه، آن‌ها که منسوب به زید بن علی هستند و برخی جنبش‌های اعتراضی که با سبک و سیاق عمل زیدیه اجرا شدند، ارائه شده است:

<sup>۱</sup> مفید، تصحیح اعتقادات الامامیه، ج ۲، ص ۱۷۳.

<sup>۲</sup> یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ص ۳۵۹ و ۳۶۰.



| نام صاحب قیام  | منطقه قیام       | زمان قیام | نتیجه  |
|--|------------------|-----------|--|
| ۱ یحیی بن زید  | خراسان/جوزجان    | ۱۲۶هـ     | دستگیری و شهادت یحیی به دست نصر بن سیار عامل اموی ولید بن یزید <sup>۱</sup>                                    |
| ۲ محمد بن عبدالله (نفس زکیه)                         | مدینه            | ۱۴۵هـ     | قتل در نبرد با عیسی بن موسی و حمید بن قحطبه، فرستادگان منصور عباسی <sup>۲</sup>                                |
| ۳ ابراهیم بن عبدالله بن حسن مثنی                     | بصره             | ۱۴۵هـ     | قتل در نبرد با عیسی بن موسی و سعید بن سلم سرداران منصور عباسی <sup>۳</sup>                                     |
| ۴ حسین بن علی بن حسن مثلث                            | مکه و مدینه (فخ) | ۱۶۹هـ     | شهادت به دست سپاه موسی بن عیسی فرستاده هادی عباسی <sup>۴</sup>   |
| ۵ ادريس بن عبدالله بن حسن مثنی                       | مغرب اقصی        | ۱۷۲هـ     | تشکیل حکومت ادریسیان که تا حدود دو سده تداوم داشت.   |
| ۶ یحیی بن عبدالله بن حسن مثنی                        | دیلم و طبرستان   | ۱۷۶هـ     | حبس و قتل او به دست هارون عباسی  |
| ۷ محمد بن ابراهیم (ابن طباطبا) و به همراه ابوالسرایا | کوفه             | ۱۹۹هـ     | پیروزی اولیه و تسلط بر مناطق پهناوری در عراق و حجاز و یمن و نفوذ در مصر، شکست در زمان مأمون عباسی <sup>۵</sup> |
| ۸ محمد دیباج   | مکه              | ۲۰۰هـ     | شکست از سپاه اسحاق بن موسی و تبعید به گرگان توسط مأمون و مرگ فوری در آنجا <sup>۶</sup>                         |
| ۹ محمد بن قاسم الصوفی                                | طالقان           | ۲۱۹هـ     | شکست از سپاه عباسی پس از دو بار پیروزی بر سپاه عبدالله بن طاهر حاکم خراسان در زمان مأمون <sup>۷</sup>          |
| ۱۰ یحیی بن عمر                                       | کوفه             | ۲۵۰هـ     | کشته شدن یحیی توسط سپاه عباسی و  |

<sup>۱</sup> ابن سعد، کتاب الطبقات الكبير، ج ۷، ص ۳۱۹؛ ابن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الملوك و الأمم، ج ۷، ص ۲۱۲.

<sup>۲</sup> همان.

<sup>۳</sup> همان، ص ۲۱۳.

<sup>۴</sup> همان.

<sup>۵</sup> ابن قتیبة دینوری، المعارف، ص ۳۸۷.

<sup>۶</sup> الشامی، تاریخ زیدیه در قرن دوم و سوم هجری، ص ۱۸۹.

<sup>۷</sup> همان، ص ۱۹۵.

|  |       |          |                         |    |
|--|-------|----------|-------------------------|----|
| هزیمت یاران وی <sup>۱</sup>  |       |          |                         |    |
| تشکیل حکومت منطقه‌ای   | ۲۵۰هـ | طبرستان  | حسن بن زید داعی<br>کبیر | ۱۱ |
| تشکیل حکومت منطقه‌ای زیدی مذهب در<br>یمن که با افت و خیز بسیار تا قرن‌ها پایدار<br>بود. <sup>۲</sup> | ۲۸۴هـ | صعده یمن | یحیی بن حسین            | ۱۲ |

قیام‌های دیگری نیز در عصر عباسیان خصوصاً در عصر اول عباسی (۲۳۲-۱۳۲هـ) به وقوع پیوست که بسیاری از آن‌ها منتسب به زیدیه هستند، اما در این انتساب باید به دیده شک نگریست. آنچه مسلم است ایده و اندیشه زیدیه، موجب انگیزش بزرگ و پایداری در رویارویی با خلفا و دستگاه حاکمه توسط مخالفان گردیده بود که شاید گروه‌هایی که چندان به زیدیه معتقد نبودند نیز در لوای این مکتب به جنبش و شورش می‌پرداختند. علاوه بر جدول فوق، می‌توان از این جنبش‌ها نام برد: محمد بن جعفر بن یحیی بن حسن در تاهرت، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم در زمان مأمون در کوفه، ابراهیم بن موسی بن جعفر در دوره مأمون در یمن که جعفر پسر او نیز قیامی دیگر بر پا کرد، محمد بن قاسم بن علی بن عمر معروف به صوفی در طالقان، حسین بن افضس در حجاز، حسین بن احمد کوکبی و همچنین یحیی بن عمر بن یحیی بن زید در زمان مستعین عباسی.<sup>۳</sup>

میراث زیدیه را در کوتاه‌مدت شاید بتوان همین قیام‌های سلسله‌وار دانست که خواب آرام را بر حکام عباسی حرام کرده و علاوه بر نتایج مستقیم خود، زمینه را برای دیگر قیام‌ها و شورش‌های غیرزیدی و حتی غیراسلامی فراهم کرده بود. اما در بلندمدت، تشکیل دولت‌هایی که عمدتاً از نظر گستره جغرافیایی بسیار محدود بودند، از نتایج سیاسی اقدامات زیدیه بود. در طبرستان و مغرب اقصی، طول عمر این دولت‌ها قابل ملاحظه بود اما در یمن، هرچند محدوده چندان وسیعی در اختیار زیدیان نبود، اما تا حدود ده سده این دولت پایدار بود.

### نتیجه‌گیری

فرقه زیدیه که در پی شهادت زید بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب (علیه السلام) و پس از آن شهادت یحیی بن زید در جوزجان خراسان به تدریج هویت خود را به دست آورد، با بر سر کار آمدن دولت بنی‌عباس، راه نوعی خارجی‌گری را در مبارزه با خلفا و حکام ظالم در پیش گرفت و دست به قیام‌های متعددی در طول دو سده

<sup>۱</sup> همان، ص ۱۹۹.

<sup>۲</sup> صابری، تاریخ فرق اسلامی، ج ۲، ص ۷۶.

<sup>۳</sup> همان، ص ۷۵ و ۶۸.

بعد زد. ارتباط زیدیه با اهل سنت مبتنی بر تعامل و به خصوص با فرقه معتزله دوستانه بود. آن‌ها بسیاری از مفاد چهارچوب فقهی خود را از حنفیان و بخش عمده‌ای از اصول کلامی خود را از معتزله دریافت نمودند. اما زیدیه در دهه‌های اول با امامیه از در تقابل و حتی در مواردی دشمنی درآمد. آن‌ها نمی‌وانستند سکوت و خانه‌نشینی و صبر امامان شیعه را بپذیرند و مداوماً در اندیشه قیام و انقلاب و قتال و شهادت بودند. زیدیان نسبت به حکام و خلفا نیز برخوردهای مستقیم و رادیکال را برگزیدند که در ابتدای امر، موجب کشته‌شدن بسیاری از سران زیدیه در جنگ‌ها و شورش‌های مکرر گردید. تفکر سیاسی مختص زیدیه که قیام و حرکت نظامی علیه حکومت باطل و طاغوت را بدون هیچ پیش‌شرطی نه‌تنها مجاز بلکه واجب می‌دانست، موجب جذب بسیاری از معترضان و مخالفان بنی‌عباس به این فرقه گردیده بود. معترضان بسیاری ترجیح می‌دادند به زیدیه بپیوندند تا در چارچوب نظام فکری این مذهب اقدامات خود را مشروعیت بخشند.

از سوی دیگر شیوه انتخاب امام و رهبر در میان زیدیه با دیگر فرق شیعه بسیار متفاوت بود. هر فردی از نسل امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) که دعوت به کتاب خدا و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نموده، امر به معروف و نهی از منکر می‌نمود، می‌توانست امام باشد. این مسئله در کنار تفسیر خاصی که زیدیه از امر به معروف و نهی از منکر داشتند یعنی مبارزه مستقیم و حرکت نظامی، زمینه را برای جنبش‌های اعتراضی مهیا می‌کرد.

در دهه‌های بعد، ارتباط زیدیه با گروه‌های دیگر دستخوش تحولاتی گردید. پس از به‌قدرت رسیدن معتزله در زمان مأمون و معتصم عباسی، دوران سقوط و زوال اعتزال، بسیار سریع فرا رسید و در پی آن دشمنی سخت اشاعره و اهل حدیث با معتزله، به تبع آن ارتباط زیدیه با اهل سنت را دچار افول کرد. اما در دوره‌های زمانی خاصی زیدیه با امامیه ارتباط دوستانه‌ای یافتند از جمله دوران ولایت عهدی امام رضا (علیه السلام) و نیز دوران شیخ مفید. مبارزه مستقیم و بی‌فایده با حکام و خلفا نیز که موجب هدر رفتن خون بسیاری از زیدیان شده بود، پس از مدتی جایگاه خود را در نگاه زیدیان از دست داد و جای خود را به زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت و دولت مستقل شیعی در نواحی و مناطقی که قابلیت آن را داشت، داد.

### فهرست منابع و مآخذ

- ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی. *المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم*، ج ۷. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲هـ.
- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم. *المعارف*. تحقیق: عکاشه، ثروت. القاهره: دارالمعارف، بی تا.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البدایه و النهایه*. تحقیق: عبدالمنان، حسان. الرياض: بیت الأفكار الدولیه، ۲۰۰۴م.
- ابوزهره، محمد. *الأمام زید: حیاته و عصره - آراؤه و فقهه*. القاهره: دارالفکر العربی، بی تا.

- البغدادی، أبو منصور عبدالقاهر. *الفرق بین الفرق*. تحقیق: عثمان الخشت، حمد. القاهرة: مكتبة ابن سینا، ۱۹۸۸م،
- البلاذری، احمد بن یحیی، *كتاب جمل من أنساب الأشراف*، ج ۳. بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷هـ.
- الحسینی، تاج الدین بن محمد. *غایة الاختصار فی أخبار البیوتات العلویة المحفوظة من الغبار*. بی جا: دارالآفاق العربیة، ۱۴۲۲هـ.
- الشامی، فضیلت، *تاریخ زیدیہ در سده دوم و سوم هجری*، ترجمه سید محمد ثقفی و علی اکبر مهدی پور. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۶۷ش.
- الشهرستانی، محمد بن عبدالکریم. *الملل و النحل*، ج ۱. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۳هـ.
- الكلینی، محمد بن یعقوب، *الكافی*، بیروت: منشورات الفجر، ج ۸. ۲۰۰۷م.
- النشار، علی سامی، *نشأة الفكر الفلسفی فی الاسلام*، ج ۲. القاهرة: دارالمعارف، ۱۹۷۷م.
- النوبختی، حسن بن موسی؛ القمی، سعد بن عبدالله. *فرق الشیعة*. تحقیق: الحنفی، عبدالمنعم. القاهرة: دارالرشاد، ۱۴۱۲هـ.
- ابن سعد، محمد، *كتاب الطبقات الكبير*. تحقیق: محمد عمر، علی، ج ۷. القاهرة: مكتبة الخانجي، ۲۰۰۱م.
- صابری، حسین، *تاریخ فرق اسلامی*، ج ۲. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۲ش.
- مشکور، محمد جواد. *تاریخ شیعه و فرقه های اسلام تا سده چهارم*. تهران: انتشارات اشراقی، ۱۳۷۹ش.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، ج ۲. بیروت: مؤسسه آل البيت لأحیاء التراث، ۱۴۱۶هـ.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ج ۲. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ش.